

CALL No. {

۲۹۷۳۴۵

ح ۱۱ ب

ACC. No.

۷-۹۹

AUTHOR

TITLE

رسالہ لغویہ

ح ۱۱ ب

۷-۹۹

۲۹۷۳۴۵

رسالہ لغویہ

Date

No.

Date

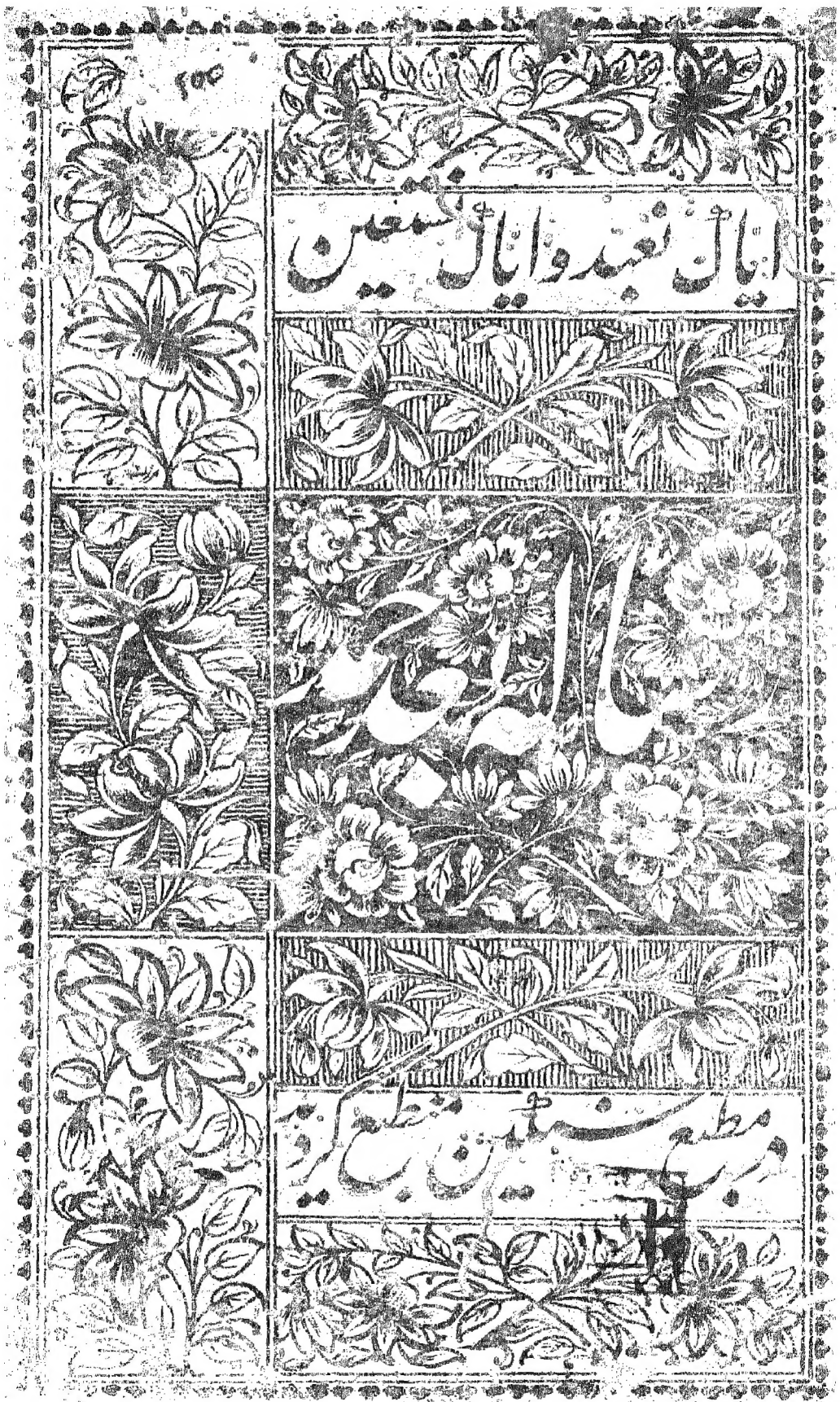
No.



MAULANA AZAD LIBRARY
ALIGARH MUSLIM UNIVERSITY

RULES:—

1. The book must be returned on the date stamped above.
2. A fine of Re. 1-00 per volume per day shall be charged for text-books and 10 Paise per volume per day for general books kept over - due.



RECEIVED 2004

M.A. LIBRARY, A.M.U.



PE7099

Handwritten text in Persian script, likely a manuscript or historical document, covering the entire page. The text is written in a cursive style and is partially obscured by the library label and the 'RECEIVED' stamp.

حق بگویند جان بشنو میکند جان فانی پان ششم
در بیان عقاید اصول خمس گوید
ای مکتب اصول پنج است بکم نریک ترا به ان گشت
در بیان جمال اصول خمس گوید
بهست تو خد خالق را در باید غافل و بنوت است
اصل چارم الهامت بدن که بدین اصل کامل است
اصل پنجم که مملکت غیر معاد یا دیگر و بدان طریق شاد
در بیان تفصیل اصول خمس گوید
گر بدانی تو منسی توحید در و کنی سوسی عالم تفرید
از پند نه چهارست مستقیم است او نیست
در بیان صفات ثبوتیه گوید
ثابت ذات و مثبت صفات حسی و مدرک و در قدیم بدات
علم و قادر است بر همه چیز بسکلم مرید و حیوان و نیز
سجانه تعالی گوید
خالق جن و انس و سما و واحد است بی شریک

در بیان عقاید اصول خمس گوید
ای مکتب اصول پنج است
در بیان جمال اصول خمس گوید
بهست تو خد خالق را در
اصل چارم الهامت بدن
اصل پنجم که مملکت غیر معاد
در بیان تفصیل اصول خمس گوید
گر بدانی تو منسی توحید
از پند نه چهارست
در بیان صفات ثبوتیه گوید
ثابت ذات و مثبت صفات
علم و قادر است بر همه چیز
سجانه تعالی گوید
خالق جن و انس و سما
و واحد است بی شریک

در بیان صفات بلیغ گوید
نیست در اسرار و صفات نیست از صفات
کاره از فعلها بی نیاز نیست بر روی عیون
بیکار و صانع و دو عالم نیست نیست محتاج و دیدنی
نه در کسب جسم نه مرئی نیست نیست محتاج و حاجی
در بیکان جهت مدال و گوشت این صفات نیست
وز بیان عدل و سبحانه گوید
عادل است و یکسان عدل و رحمة او میکند به نیکو
آری قیام حق و بر حق همه خدعه لغت بر اهل ظلم تمام
همه بشما بعدل و متکبر است حکم بر اینکند گمراه
نرسد ز بهر هیچ و است تمام نیست اضی کفر کافر تمام
در بیان نبوت نبیها گوید
فهم و ویر که سخن با واده بعد از آن بنیاد و متنا
با نماند در راه و متنا که همه مادی اند و راه نماند
در بیان نبوت پیغمبر فاضل ائمه علیهم السلام گوید

نور محمد علی است کل و ہائے مطہری

است
بخواه اوی نه دین
بصفت خاتم النبیین

و آه او بخلاف اه خدا
شرع او ناسخ شرع است

شجرات نبی و سادات

در بیان امامت امامان گویند

سلطان اتمیاست امام شاه مردان علی علیه السلام

مرحوم غفر له اور دینار علم او علم آورد

سید دین امام بیخدا و

و لدش حضرت امام حسن
 با دو بیست بعد ازین

علاء و حضرت امام حسین
چون بدو نشستند

والتشاور على المشركين

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين

روستای جعفر صادق

و هست موسی کام در نظام امور و بن نام
مشتی است

امیر خسرو صاحب اعظم خجاستی سلام است ۱۱

بدری که در این عالم است
بدری که در این عالم است
بدری که در این عالم است
بدری که در این عالم است

بدری که در این عالم است
بدری که در این عالم است
بدری که در این عالم است
بدری که در این عالم است

بدری که در این عالم است
بدری که در این عالم است
بدری که در این عالم است
بدری که در این عالم است

بدری که در این عالم است
بدری که در این عالم است
بدری که در این عالم است
بدری که در این عالم است

واجب است خود و از دست
 نیت است و حکم بودن
 آنکه و صباح بودن آن
 شستن از محل رستن مو
 آنچه آهام گیر و و سطلی
 از فراغ و و خنجرین
 مسح سر چون کنی مسح و و پا
 غسل با فعل بپایان
 نزد از جهالت استیب
 مسح کن پای رست اول
 بعد برای آب بر عضا

در بیان تحقیق غسل کوید
در غسل جنابت آری و بدن خویش را تمام
در بیان غسل رتاسی کوید
آنکلی غسل رتاسی بجا بعدیت درون آب سرد
غسل باشد در وضویت یا شد مقدار بنضوبی از ا
در بیان غسل تیرقی و اجباتش کوید
غسل ترتیب کر کنی این مشغول و جنابت او غسل
بعدیت بشوید و گردن نیمه راست و انگهی زدن
بعد از نصف یکدایم سحر عورتین با صبر و جانب
پیش سر می نگو کرد و نیت غسل در مقدار دار
آب بکد و مباح نیکد در مکان مباح ما و کن
نیت ترتیب اجباتی سر و چپاشش و باز و ه سحر
بعد شستن آبی می لافهام منع کردن چپان بنگام
بعد از آن آب اصنی مختا شو مباح شستن خود کار
در بیان شمار غسلهای واجب کوید که چند اند

شش و غسل و جلابی قل بشنوارن مایلان غافل
بست غسل جنابتی بکر غسل حیض و نفاسی
حار غسل است حاجت بود و اینان که راه سریع
تجسس غسل میست غسل نیست مباح غافل
در بیان جمعیت میگویم

در مکان تو کر نباشد آب از بی آب بطن بشتاب
چون نیابی شغور بند کن وقت داخل خوشدیم کن
بیمیم بدل غسل وضو و جباتش بدو دو
بست بعد از آن دستشاک زن طه که خاک باشد پاک
ضربه حد اگر بدل بر وضو بدل غسل او وضو بگو
زونی از برای مسح است زونی از برای مسح است
مسح پیش هرست و میساک تا با علای الف کروی
بعد از آن مسح نیست و اندامش که راه سریع
لیک از بند انگشتان مسح با یکش میزدان
از گف دست مسح و سیاه باز تر قیاس آنکه میساک

در بیان غسل و جلابی قل
بست غسل جنابتی بکر
حار غسل است حاجت بود
تجسس غسل میست
در بیان جمعیت میگویم
در مکان تو کر نباشد آب
چون نیابی شغور بند کن
بیمیم بدل غسل وضو
بست بعد از آن دستشاک
ضربه حد اگر بدل بر وضو
زونی از برای مسح است
مسح پیش هرست و میساک
بعد از آن مسح نیست
لیک از بند انگشتان
از گف دست مسح و سیاه
در بیان غسل و جلابی قل
بست غسل جنابتی بکر
حار غسل است حاجت بود
تجسس غسل میست
در بیان جمعیت میگویم
در مکان تو کر نباشد آب
چون نیابی شغور بند کن
بیمیم بدل غسل وضو
بست بعد از آن دستشاک
ضربه حد اگر بدل بر وضو
زونی از برای مسح است
مسح پیش هرست و میساک
بعد از آن مسح نیست
لیک از بند انگشتان
از گف دست مسح و سیاه

در بیان غسل و جلابی قل
بست غسل جنابتی بکر
حار غسل است حاجت بود
تجسس غسل میست
در بیان جمعیت میگویم
در مکان تو کر نباشد آب
چون نیابی شغور بند کن
بیمیم بدل غسل وضو
بست بعد از آن دستشاک
ضربه حد اگر بدل بر وضو
زونی از برای مسح است
مسح پیش هرست و میساک
بعد از آن مسح نیست
لیک از بند انگشتان
از گف دست مسح و سیاه

سحر کن و کشت اول
 بعد از آن حبس باش
 خاک پاک و بیاض می باید
 در میان بیاض می باید
 از نوحه آلات هم مشغول
 با طهارت تراش و حاصل
 بعد از آن کعبه کعب
 باشد در وضو و کعب
 در بیان نجاسات گوید
 ده موردی که نجاست
 است الگو چون برادر جو
 منی و خون بدق آنها کو
 سحر که است میت کافر
 غایط و بول یا بلع مسکر
 در بیان مطهرات گوید
 قسمهای مطهرات ده است
 آب و فحاک و دیاد و عصا
 آب و فحاک و دیاد و عصا
 پس و حاک و دیاد و عصا
 در بیان فعال نماز گوید
 فعلهای نمازی عاقل
 نیست بعد از آن بعد گوید
 قنات است و قیام یا کبر

ایمانت بلوی بصره

است بخیر و کرم و فضل
 هم محمود و شکر و سلام
 در بیان ارکان نماز گوید
 این سلام یک یک است
 است یکسر تین قیام
 بیت و بار کوع کشت تمام
 در بیان عدد رکعات نماز گوید
 تا شود به توطئه و عیان
 جمع دو شام و عشاء چهار
 طهر و حضرت عدد هم
 هفتده اندر حضرت و دیگران
 یازده در سفر و کوفت
 در بیان طریق نماز گردن می گوید
 طهارت بر میسر شد
 بدن جامه ات میپوشد
 قلهای نماز و نستی
 فرق از یکدگر نستی
 جهت قبله است چو شمشیر
 خیر و فکر است از کربان
 رو به رگه کبریا آور
 روشنید کی بجای آور
 بر مصلای پاک گیتار
 نذر گناهان خود گن
 آنک قامت بگویی بفرمان
 بعد از آن در خلوص نیاز

در بیان نیت نماز از ارغون میگوید
نیت کن بنایت خلاص
بجای زنجیر و زنجیر
مغشش باغیم و باغیم
مطمئن باش در قیام و ریح
با دل جان رخصت و خضوع
در بیان تذکره بشکوه میگوید
و ذکر مشهور و ذکر میگوید
باز خانه رضای حق میگوید
در بیان نیت نماز سجده میگوید

چون نیت در نماز سجده
نیت اعضا سجده نشین
سر و کلاه سجده نشین
دو زنگ است پای و دیگر
عضو بار اجزای شوم
و ذکر سبحان بی الاطلاق
سیر منته خبر بر خیمه باشد
انچه پوشند یا خور نام

از برای عبادت و عبودیت
و بناغی نماز رشت انسان
سر و کلاه و کلاه و کلاه
و زنگ است پای و دیگر
عضو بار اجزای شوم
و ذکر سبحان بی الاطلاق
سیر منته خبر بر خیمه باشد
انچه پوشند یا خور نام

در بیان نیت نماز سجده میگوید
نیت اعضا سجده نشین
سر و کلاه سجده نشین
دو زنگ است پای و دیگر
عضو بار اجزای شوم
و ذکر سبحان بی الاطلاق
سیر منته خبر بر خیمه باشد
انچه پوشند یا خور نام

بیتشهد و گشتنانی زیان و نیکو سادات بگویند ای آن

صلوات رسول اکرم ﷺ
لونی برصورتی کہ شہر لونی

در میان سلام میگوید

بسلام از نماز بیرون می
بعد از آن روحش را بجا

در بیان اورا و عقوبات می گویم

چون تعقیب لب کشائی بان
خوئی آن بود که بعد نما

نخه نقین نمود و سیخ علی

پیچ نیست می آید به تسبیح حضرت پیرا

در بیان مناقبات نماز می گویم

سنة النون مشاقبات نماز . ای که در ماندی براه نیا

بطلان از وی بود نماز بد است

لی هست نیست و بیج اینرا

بطل است ارجه بانیازی
موتی که زبان

من وقت از این زمانه
یعنی اگر پیش از وقت نازکند باطل است

ان ساریت هر سطلان
ان نازک ظاهر مست

۱۳
 تشهد و رکعتی زیان دو شهادت بگوید بی آن
 صلوات رسول و آل رسول گوئی بر صورتی که مقبول
 در میان سلام میگوید
 سلام از نماز بیرون می بعد از آن رو خوشی برجا
 در میان او را و تعقیبات می گویم
 چون تعقیبات کشائی باز خویست آن بود که بعد نماز
 آنهم تعقیبات نموده و شیخ علی آن بخوانی که باشد اولی
 بی شیخ نیست می نای بدو شیخ حضرت پیرا
 در میان مناسقات نماز می گوید
 تشهد اکنون مناسقات نماز ای که در مانده براه نشانی
 آنچه باطل شود و طهارت باطل از روی بود و نماز بدان
 یکی هست بخت و پنج اینرا حق تو حصاش که در نماز
 پشت قبله از نماز کنی باطل است آنچه با آن کنی
 پیش وقت اگر کنی نماز بدان آن نماز باطل است بر سلطان
 یعنی اگر پیش از وقت نماز کند باطل

[illegible]

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

عدم حفظ اولین و پنج قول صد و بیست و پنج
پس بقول ندادن فرصت یا تقاضا که مانع فرصت
در میان شکایات نماز میگوید
صورت شک بر این است آنچه واجب شود و گفتن
در میان دو رسته شود اگر شک بعد اكمال سجده تین شک
بر سه رکعت بنا بر این بقیام چون یکی با هم و وقوع تمام
در ترشک میان سه چهار نشود و بر چهار در آن
پس دو رکعت شسته یا یکا ایستاده گزار بی ای بر
شک بود که میان دو چهار حق بنا بر چهار می گذارد
بعد اتمام آن نماز بخوان ایستاد و رکعت چهارم
در میان دو رسته است بعد اكمال سجده تین یا جا
حق بنا بر چهار و گویای تمام پس دو رکعت گزاره جان تمام
هم دو رکعت شسته یا یکا منته از حکم شرع هر چند
در میان چهار و پنج یک میشود و حکم هر یکی بی شک
بعد اتمام آن دو سجده است نیست کن جتایط آن بی

در میان شک بر این است آنچه واجب شود و گفتن
در میان دو رسته شود اگر شک بعد اكمال سجده تین شک
بر سه رکعت بنا بر این بقیام چون یکی با هم و وقوع تمام
در ترشک میان سه چهار نشود و بر چهار در آن
پس دو رکعت شسته یا یکا ایستاده گزار بی ای بر
شک بود که میان دو چهار حق بنا بر چهار می گذارد
بعد اتمام آن نماز بخوان ایستاد و رکعت چهارم
در میان دو رسته است بعد اكمال سجده تین یا جا
حق بنا بر چهار و گویای تمام پس دو رکعت گزاره جان تمام
هم دو رکعت شسته یا یکا منته از حکم شرع هر چند
در میان چهار و پنج یک میشود و حکم هر یکی بی شک
بعد اتمام آن دو سجده است نیست کن جتایط آن بی

در میان شک بر این است آنچه واجب شود و گفتن
در میان دو رسته شود اگر شک بعد اكمال سجده تین شک
بر سه رکعت بنا بر این بقیام چون یکی با هم و وقوع تمام
در ترشک میان سه چهار نشود و بر چهار در آن
پس دو رکعت شسته یا یکا ایستاده گزار بی ای بر
شک بود که میان دو چهار حق بنا بر چهار می گذارد
بعد اتمام آن نماز بخوان ایستاد و رکعت چهارم
در میان دو رسته است بعد اكمال سجده تین یا جا
حق بنا بر چهار و گویای تمام پس دو رکعت گزاره جان تمام
هم دو رکعت شسته یا یکا منته از حکم شرع هر چند
در میان چهار و پنج یک میشود و حکم هر یکی بی شک
بعد اتمام آن دو سجده است نیست کن جتایط آن بی

[illegible]

شاه

L.99

